

## موضوع: مروری بر نظریه های اجتماعی و مدیریت محیط زیست

ناصر محرم نژاد<sup>۱</sup>، مهناز تهرانی<sup>۲</sup>

### چکیده:

علوم اجتماعی دامنه وسیعی در میان رشته های علوم انسانی دارد. انسان شناسی، جامعه شناسی، مطالعات فرهنگی، علوم ارتباطات از جمله زیر شاخه های این رشته می باشد. علوم محیط زیست نیز شاخه ای از محیط زیست می باشد که در آن زیر شاخه هایی از جمله ارزیابی و آمایش سرزمین، زیستگاهها و تنوع زیستی و آلودگی های محیط زیست وجود دارد. به طور کلی محیط و رابطه ما با آن یکی از اصلی ترین نظریه های اجتماعی می باشد. امروزه نگرانی های زیست محیطی بیشتر ظاهری است تا واقعی زیرا تفکر درباره محیط و مفهوم ارزش آن قدمتی به اندازه خود جامعه انسانی دارد. اما آشکار است که نسل کنونی انسان با مجموعه ای از معماهای زیست محیطی روبروست که بیشتر آن در تاریخ انسان بی سابقه می باشد.

نسل کنونی نخستین نسلی است که توانایی بارها و بارها نابود کردن سیاره زمین را دارد و در عین حال نخستین نسلی است که نمی تواند وجود محیط طبیعی را مسلم فرض کند. بنابراین در حالی که در تفکر بشر دورنمای محیطی قدیمی بوده لذا محیط و اینکه انسان چگونه آن را ارزیابی می کند و چگونه از آن بهره می برد و چگونه درباره آن فکر می کند، به گونه ای جنبه کانونی و مهم نظریه اجتماعی پیدا کرده است.

در این مقاله با مروری بر تاریخچه تاثیر انسان بر محیط و همچنین بررسی نظریه های مختلف جامعه شناسان پیرامون موضوعات زیست محیطی، به فلسفه اخلاق زیست محیطی پرداخته و اثرات آن بر مدیریت محیط زیست بررسی می گردد.

**کلمات کلیدی:** علوم اجتماعی، علوم محیط زیست، نظریه اجتماعی، اخلاق محیط زیست، انسان، محیط زیست

<sup>۱</sup> معاون پژوهشی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و تحقیقات

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری مدیریت محیط زیست

## مقدمه:

انسان تنها گونه ای است که قادر به انقراض نوع خود می باشد. بر خلاف دایناسورها و سایر گونه های منقرض شده انسان قادر است در این مورد تعمق بیشتری نموده و با تغییر دادن فرهنگ خود، خود را با تغییرات زیست محیطی وفق دهد. این تغییر مسیر فرهنگ باید در جهتی باشد که برای بقای گونه انسان در آینده، با توجه به تجربیات فرهنگی گذشته، کارساز باشد. [زیستن در محیط زیست، پروفیسور جی، تی میلر، مجید مخدوم ۱۳۷۱]

از بسیاری از جنبه ها اندیشیدن درباره محیط و نظریه پردازی درباره آن یکی از دیرمان ترین وجوه اندیشه بشر بوده است. نظریه اجتماعی بررسی روشمند جامعه انسانی، از جمله فرایندهای دگرگونی و استحاله، شامل تدوین نظری و تجربی فرضیه ها، تبیین ها، استدلالها و رهنمودهاست. [اخلاق محیط زیست، جان برسون، م عبدالحسین وهاب زاده، ۱۳۸۲]

نظریه اجتماعی همچون چتری است که طیفی از رهیافت های فکری درباره جامعه، تبیین پدیده های اجتماعی و توجیهات پیشنهادی برای طرفداری از دگرگونی اجتماعی یا مقاومت در برابر آن به زیر آن گرد آمده اند. سرچشمه های تاریخی نظریه اجتماعی را می توان در عصر روشنگری یافت، گرچه ابعاد نظریه جدید اجتماعی را می توان در متفکران و مکاتب فکری پیش از روشنگری جستجو کرد. [محیط زیست و نظریه های اجتماعی، جان بری م. حسن پوریان و نیره توکلی، ۱۳۸۰]

به طور کلی نظریه اجتماعی دارای دو بعد است:

یک بعد توصیفی و یک بعد هنجار بخشی. نظریه اجتماعی در بعد هنجار بخش خود جامعه را توصیف می کند و تبیین هایی خاص برای پدیده ها، رویدادها، مسائل و دگرگونی های درون جامعه در پیش روی می نهد.

ابعاد توصیفی نظریه اجتماعی شیوه هایی است که نظریه اجتماعی با آنها نه تنها چگونگی جامعه را حکایت می کند، بلکه همچنین به ما می گوید که جامعه چگونه باید باشد.

از لحاظ نظریه پردازی اجتماعی درباره طبیعت یا محیط زیست، در کنار رهیافت انتقادی یا جریان اصلی، دو رهیافت دیگر را نیز دنبال می کند. این دو را می توان رهیافت های طبیعت گرانه و سازندگی اجتماعی نامید.

نظریه پردازی اجتماعی طبیعت گرانه در مورد محیط معمولا شکل این دیدگاه را به خود می گیرد که محیط بیرونی جامعه است و چونان نظم طبیعی مستقلی در بیرون جامعه وجود دارد.

اما رهیافت های سازندگی اجتماعی محیط و طبیعت را ساخته جامعه می دانند و از همین روست که کانون تحلیل آنها روابط درونی داخل جامعه است. [محیط زیست و نظریه های اجتماعی، جان بری م. حسن پوریان و نیره توکلی، ۱۳۸۰]

## انواع نگرش به محیط زیست در نظریه اجتماعی:

### ۱- نگرش به محیط زیست طبیعی

برطبق نظر رنی-شورت، وحش واژه ای است که نخستین کاربرد آن گذار و تبدیل از اقتصاد گردآوری خوراک و آذوقه به جامعه ای کشاورزی است.

در تاریخ اروپا، فضاها و وحشی مانند جنگلهای تاریک، کوهستانها و مرداب ها، جاهای خطرناکی به شمار می آمدند و مردم به آنها با ترس می نگرستند.

این دید منفی از طبیعت وحشی چیزی است که بیشتر در تفکر مسیحی به چشم می خورد.

### ۲- نگرش به محیط زیست به عنوان روستا یا باغ

محیط طبیعی روستا را می توان بر خلاف دنیای وحش و طبیعت وحشی همچون باغی به شمار آورد. مفهوم محیط مترادف روستا یا باغ اغلب برای توضیح تفاوت های فرهنگی ملی و برداشت های محیطی میان کشورهای اروپایی و دیگر کشورهای صنعتی شده به کار می رود. کشورهایی چون بریتانیا بر خلاف کشورهایی چون امریکا و استرالیا، مناطق بکر ندارند و محیطهای طبیعی بیشتر باغ های مصنوعی می باشد تا محیط های وحشی.

### ۳- نگرش به محیط زیست شهری

منظور از محیط شهری فضاهای انسان ساخته، ساختمانها، پیشرفت ها و ساختارهایی است که در شهرکها و شهرها می بینیم. محیط زیست شهری در برابر حیات وحش که در آن هیچ ردپایی از انسان نیست و یا در برابر خارج از روستا که در آن محیط طبیعی و فراورده های آن را انسان اداره می کند اما آنها را نیافریده اند، قرار دارد. محیط شهری چه از لحاظ تاریخی و چه از لحاظ مفهومی، مدرن ترین محیط هایی است که انسان ها و غیر انسان ها در آن سکونت دارند.

### ۴- نگرش به محیط زیست جهانی

مفهوم محیط زیست جهانی تازه ترین مفهوم درباره محیط زیست است و ریشه های آن به مناظرات مربوط به بحران زیست محیطی در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ باز می گردد.

گرچه همواره محیط زیست جهانی وجود داشته است ولی بروز مخاطرات برای آن آماج توجه همگانی و سیاسی قرار گرفت. یکی از مسائلی که در ایجاد مفهوم محیط جهانی اهمیت داشت عکس هایی بود که در پایان دهه ۱۹۶۰ از فضا از زمین گرفته شد. این تصاویر بیش از هر چیز دیگر مردم را متوجه کرد که همه انسانها که بر روی یک کره خاکی زندگی می کنند در آن شریک هستند.

### نقش تاریخی محیط زیست در درون نظریه اجتماعی

از دید تاریخی، بیشتر نظریه پردازی اجتماعی درباره محیط زیست اشکال فرهنگی - مذهبی و سنتی به خود گرفته است بدین معنا که چگونگی تفکر مردم درباره محیط زیست در قالب قصه هایی بود که به شکل سنت از نسلی به نسل دیگر منتقل می شد. در تمدن های خاورمیانه ای، مصر و بین النهرین می توان شیوه های تفکر متنوعی درباره محیط یافت. آموزه های شرقی مذهبی کنفوسیوسی، شیئتویی و بودایی، هریک درباره جایگاه مناسب محیط در جهانگری هایشان دید خاص خود را دارد و همگی برای رفتار با محیط و استفاده از آن دارای قواعد و اصول ویژه ای هستند. به طور کلی آیین بودایی به محیط طبیعی احترام چشمگیری روا می داشت. [محیط زیست و نظریه های اجتماعی، جان بری م. حسن پوریان و نیره توکلی، ۱۳۸۰]

تفکر دینی هندو دال بر شیوه های خاص رفتار با حیوانات اهلی بود و خوردن گوشت را منع می کرد.

اسلام نیز مجموعه قواعد خاص خود را در مورد شیوه درست تفکر درباره محیط زیست و پیوند با طبیعت دارد که در قرآن کریم نهفته است:

- سوگند به آسمان و به ستاره صبح. سوگند به آسمان باران زا و به زمین بر شکفته از گیاه (سوره طارق)
- سوگند به سپیده دم. سوگند به شب های دهگانه و به جفت و یگانه (سوره فجر)
- سوگند به شهر که تو در آن ساکنی و سوگند بر پدر و مادری که تو را آورده اند (سوره بلد)
- سوگند به خورشید و به ماه چون از پی آن در آید و به روز چون زمین را روشن گرداند و به آدمی و آنکه آن را بهنجار داشت (سوره شمس)
- سوگند به روز و شب و آنکه نر و ماده را آفرید (سوره لیل)
- سوگند به روشنایی روز (سوره ضحی)
- سوگند به انجیر و زیتون و کوه سینا (سوره تین)
- سوگند به اسبان دونده (سوره عادیات)
- سوگند به روزگار که آدمی در زیانمندی است (سوره عصر)
- .....

## مذهب و محیط زیست

یک موضوع مشترک در تمام مذاهب بزرگ جهان اعم از اسلام، مسیحی، یهود و هندو، خصلت مشترک کشاورزی بودن این مذاهب است. بدین معنا که سرچشمه های تاریخی این ادیان خاص را می توان در دوره پس از شکار و در جوامع و امپراتوری هایی که تمدن کشاورزی در آنها غالب بود، مشاهده نمود. اغلب تمدنهایی که این ادیان در آنها شکوفا شده بودند، شهرها و مکانهای مهم حضور قدرت سیاسی و اقتصادی و مذهبی و نظامی بود. [محیط زیست و نظریه های اجتماعی، جان بری م. حسن پوریان و نیره توکلی، ۱۳۸۰]

بومیان آفریقا، استرالیا، آمریکا نیز دارای شیوه های سنتی و معمولاً متأثر از عوامل معنوی برای تفکر درباره محیط زیست و رفتار با آن بود. از جاندارانگاری و اعتقاد به روح جنگل یا جانورانی خاص گرفته تا پرستش طبیعت و خورشیدپرستی را شامل می شد. این فرهنگهای بومی سنتی کمتر انسان مدار بودند و بیشتر به تاکید بر پیوند میان انسان در جهان تهی از انسان گرایش داشتند تا جدایی میان آنها.

بسیاری از مردم، هنگامی که سخن از بحرانهای زیست محیطی و رابطه آن با دین به میان می آید، نسبت به دورانهای پیشین که به ظاهر پیچیدگی کمتری داشت و پرستشگری از عقاید و اعمال دینی تا بدین حد با بی پروایی همراه نبود، احساس دلنگی می کنند. یکی از چالشهای پیش روی ادیان چگونگی روبرو شدن با بحران زیست محیطی است که بسیاری معتقدند بر اثر ماتریالیسم بی حدمرز، عرفی شدن و صنعتی شدن لجام گسیخته در جوامع امروزی پدید آمده است. در واقع بعضی معتقدند که جدا کردن دین از زندگی سکولار می تواند یکی از علل عمده این معضل باشد <sup>۱</sup>

از سوی دیگر دانشمندی چون آرنولد توین بی و لین وایت معتقد به نقش منفی ادیان توحیدی در این بحران، هستند. لین وایت، "متخصص تاریخ قرون وسطی و استاد برجسته دانشگاههای پرینستون، استانفورد و کالیفرنیا آمریکا" در سال ۱۹۶۷ در مقاله ای جنجال برانگیز با عنوان "ریشه های تاریخی بحران زیست محیطی معاصر" <sup>۲</sup> سه دین ابراهیمی اسلام، مسیحیت و یهودیت را مسئول این معضلات زیست محیطی کنونی اعلام نمود. وایت معتقد است که تاکید فراوان این ادیان بر غلبه خداوند بر آن و سلطه انسان بر طبیعت منجر به تحقیر طبیعت شده و در نتیجه تخریب محیط زیست به خاطر اهداف منفعت طلبانه بشر رخ داده است <sup>۳</sup>

با نگاه به جهان بینی های مبتنی بر ادیان ابراهیمی، درمی یابیم که سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام، اخلاقیاتی انسان مدار را بنا نهاده اند. بنابراین طبیعت از دیدگاه این ادیان در درجه دوم اهمیت قرار دارد. از سوی دیگر، با بررسی دقیق تر مشاهده می کنیم که منابعی غنی از دیدگاه های مثبت درباره محیط زیست در سنت عهد عتیق، در الهیات مقدس، در مسیح شناسی مبتنی بر تجسد مسیح و در مفهوم خلیفه الله بودن انسان در قرآن وجود دارد. سنت عهد عتیق حاوی تعهداتی است که نسبت به همه موجودات وجود دارد. تجسد مسیح بر این فرضیه متکی است که از آنجا که خداوند در شخص مسیح متجسد شد کل نظام هستی را می توان مقدس شمرد و بالاخره مفهوم خلیفه خدا بودن انسان بر روی زمین نشان می دهد که انسان برتری ها، مسئولیتها و الزامات خاصی نسبت به طبیعت دارد <sup>۴</sup>

در هندوئیسم اگرچه تاکید زیادی بر اجرای درمه یا تکلیف دینی می شود، هندوان در زندگی این جهانی میل شدیدی به موکشه یا رهایی از دنیای رنج یعنی سمساره دارند. برای تسکین این رنج، افراد از طریق ریاضت روحی و مراقبه، از جهان مادی یا پرکریتی دل برمی کنند و به سوی جهان لایتناهی معنوی یا پوروشا رو می آورند. در عین حال در هندوئیسم سنت های متعددی وجود دارد که بعضی رودخانه ها، کوهها و جنگلها را مقدس می شمارد. علاوه بر این الهیات هندویی در مفهوم لیلا (نقش خالقیت خدايان)، جهان را پدیده ای خلق شده توسط قوای آسمانی می داند. همین تضاد بین بریدن از جهان (مادی) و از سوی دیگر تایید و تصدیق آن در بودیسم هم وجود دارد. بعضی مکاتب بودیسم تراواده ای، بر ترک تعلق از جهان گذرای پر از رنج به هنگام مراقبه تاکید می کنند تا در نیروانا به رهایی برسند. از سوی دیگر مکاتب مهاییانه ای در بودیسم مانند هوآین بر پیوند درونی واقعیت تاکید می کنند و آن را به یک رشته جواهر متعلق به ایندرا تشبیه می کنند که هر قطعه جواهر منعکس کننده دیگر قطعات در جهان است. همچنین باغ های فرقه ذن در شرق آسیا بیانگر کمال ذات بودا در جهان طبیعی است. در سال های اخیر،

بودیسم متمایل به امور اجتماعی، در حفاظت از محیط زیست هم در آسیا و هم در امریکا فعال بوده است <sup>۱۱۱</sup>

سنت‌های شرق آسیایی کنفوسیانیسم و تائوئیسم به‌نوعی جزو حمایت‌کننده ترین ادیان از حیات این‌جهانی به شمار می‌روند. ارتباط منسجم بین خدا، انسان و جهان‌های طبیعی، این سنت‌های دینی را به‌مثابه جهان‌بینی انسان‌مدارانه معرفی می‌کند. در این ادیان، آنچنان که در سنت‌های ابراهیمی بر مساله ماوراء (تعالی) تاکید می‌شود هیچ اصراری بر این امر وجود ندارد؛ بلکه نوعی کیهان‌شناسی مبتنی بر تداوم خلقت که به واسطه تغییرات فعالانه و پیوسته طبیعت طی فصول و چرخه حیات به وجود می‌آید، مورد تایید و تاکید این ادیان است. این کیهان‌شناسی منسجم بر فلسفه "چی" که به‌معنای نیروی مادی است، مبتنی شده که این فلسفه، خود پایه‌گذار شناخت و ارزشیابی رابطه عمیق ماده و روح است. هماهنگ بودن با طبیعت و دیگر انسان‌ها همراه با توجه خاص به تائو (طریقت) هدف تربیت فردی در دو دین کنفوسیوسی و تائوئیسم است <sup>۱۱۲</sup>

اقوام سرخپوست، در حالی که کیهان‌شناسی‌های زیست‌محیطی خاص خود را دارند، در بعضی موارد باعث بروز خسارت‌های زیست‌محیطی در مقیاس محلی [از طریق بعضی شعائر خود و یا کشاورزی غیراصولی] شده‌اند. با این حال بیشتر اقوام سرخپوست دارای گونه‌ای از اخلاقیات زیست‌محیطی هستند که در جهان‌بینی آنها منعکس شده است. این امر در تعهدات پیچیده و متقابل پیرامون تفسیر حیات و جمع‌آوری منابع که رابطه اجتماع را با زیست‌بوم محلی آنها مشخص می‌کند، مشهود است <sup>۱۱۳</sup>

دیدگاه‌های دینی مبتنی بر شیوه زندگی سرخپوستان دربرگیرنده احترام به منابع غذا، پوشاک و سرپناه است که طبیعت برای آنها فراهم می‌کند. شکرگزاری خالق و نیروهای روحانی در خلقت، در مرکز بیشتر سنت‌های سرخپوستی قرار دارد. تقویم‌های آیینی بیشتر اقوام سرخپوست به‌دقت با حوادث فصلی مانند صدای پرندگان مهاجر در حال بازگشت، شکوفه دادن بعضی درختان، حرکت خورشید و تغییرات ماه هماهنگ شده است <sup>۱۱۴</sup>

اکنون مساله‌ای که پس از بررسی ادیان جلوه‌گر می‌شود این است که بیشتر ادیان جهان در مورد خودکشی و قتل انسان‌ها و یا سقط جنین ممنوعیت‌هایی اخلاقی وضع کرده‌اند اما هیچ تحریمی درباره کشتن طبیعت و نابودی زمین وجود ندارد. ما به‌شدت نیازمند کشف آن دیدگاه‌های جامع کیهان‌شناسانه و اخلاقیات زیست‌محیطی‌ای هستیم که عرصه را بر تخریب‌کنندگان طبیعت تنگ سازد <sup>۱۱۵</sup>

## روشنگری، محیط زیست و نظریه اجتماعی

روشنگری یا مدرنیته، مجموعه‌ای از دگرگونی‌های بهم پیوسته و گاه بنیادی به شمار می‌آید که در نیمه قرن ۱۸ میلادی تا اواخر آن در حوزه‌های پرشماری از تفکر و عمل انسان در اروپا رخ داد. روشنگری نقطه عطف مهمی در جایگاه محیط در نظریه اجتماعی دارد. پیش شرط پیشرفت و بهبود انسان، بهره‌کشی از محیط طبیعی تصور می‌شد. به عبارتی نظریه اجتماعی روشنگری، به بهره‌کشی از محیط طبیعی از طریق کاربرد دانش علمی و استفاده از فناوری در تولید صنعتی، اعتقاد دارد. روشنگری به دو دسته، انقلاب صنعتی و انقلاب دمکراتیک تقسیم می‌شود:

## انقلاب صنعتی و محیط زیست

منظور از انقلاب صنعتی دگرگونی‌های شگرفی است که از قرن ۱۶ تا ۱۸ میلادی در زندگی اقتصادی اروپا هم از لحاظ مفاهیم و نظریه‌ها و افکار و هم از لحاظ کاربرد عملی روی داد و مبنای ظهور و گسترش جامعه صنعتی را فراهم آورد. قبلاً بریتانیا را گهواره انقلاب صنعتی می‌دانستند چراکه نخستین کشوری بود که خود را در زمینه صنعتی دگرگون کرد. در عصر انقلاب صنعتی به محیط زیست همچون مجموعه‌ای برای خدمت به اهداف انسان، مواد خام جهت کارخانه‌ها، دستگاه‌ها و فناوریهای جدیدی که در دست اختراع بودند، نگاه می‌شد. به عبارتی محیط زیست که زمانی آن را بسیار جذاب می‌دانستند، به دست انسان‌ها تخریب شد.

دانستند و سرشار از مضمونی روحانی بود، با انقلاب صنعتی به گنجینه ای از مواد خام برای اهداف اقتصادی انسان تبدیل شد و تنزل یافت. [ محیط زیست و نظریه های اجتماعی، جان بری م. حسن پوریان و نیره توکلی، ۱۳۸۰ ]

با تداوم انقلاب صنعتی، واکنشی برای نظریه پردازان اجتماعی شکل گرفت. انگیزه این واکنش احساساتی این بود که انقلاب صنعتی محیط طبیعی را نابود می کند و از شکل می اندازد؛ چشم اندازهایی که زمانی زیبا بودند به صورت شهرهایی زشت و پر جمعیت، کارخانه های آلوده ساز و معادنی در دست بهره برداری، تبدیل کرده است.

در برابر این نگاه احساساتی نسبت به طبیعت، دید غرور آمیزی نیز درباره چیرگی انسان بر دنیای طبیعی وجود داشت. به طوریکه توماس کارلاین آنرا چنین بیان می کند:

“برای تمامی اهداف دنیوی خود ماشین و ابزار مکانیکی ساخته ایم، کوهها را جابجا می کنیم و دریاها را بزرگراه هموارمان می گردانیم، هیچ چیز نمی تواند در برابر ما مقاومت کند. ما با طبیعت وحشی می جنگیم و با موتورهای مقاومت ناپذیرمان همواره پیروزمند می شویم و غنیمت به چنگ می آوریم.” [ محیط زیست و نظریه های اجتماعی، جان بری م. حسن پوریان و نیره توکلی، ۱۳۸۰ ]

## انقلاب دمکراتیک و محیط زیست

منظور از انقلاب مردم سالاری، دگرگونی های بنیادینی است که در پایان قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی در نظریه و عمل سیاسی روی داد. مهمترین جنبه های انقلاب دموکراتیک مربوط اصل دولت همگانی، یعنی دولتی که مردم تشکیل دهند و از مردم تشکیل شود، می باشد. [ محیط زیست و نظریه های اجتماعی، جان بری م. حسن پوریان و نیره توکلی، ۱۳۸۰ ]

انقلاب دموکراتیک نیز همانند انقلاب صنعتی استوار بر استفاده ابزاری از محیط طبیعی بود.

## معرفی طلایه داران و منتقدان نوگرایی محیط زیست و نظریه های اجتماعی:

### ۱- توماس هابز:

از دیدگاه توماس هابز، فیلسوف سیاسی قرن ۱۷ میلادی؛ زندگی در حالت طبیعی را گوشه نشینانه، نکبت بار، کثیف، حیوانی و کوتاه می دانست. از نظر هابز جامعه طبیعی چیزی نبود که او آنرا مرحله مثبتی در تکامل انسان به شمار آورد بلکه آن را بیشتر ابتدایی می دانست و همصدا با نظریه پردازان اجتماعی پس از خود در قرن ۱۸ این مرحله را حالت خشن جامعه می نامیدند. بدین معنا که زندگی بشر تنها زمانی وضعیت طبیعی دارد که در مرحله ای نامتمدن و واپسمانده از تکامل اجتماعی است.

### ۲- جان لاک

جان لاک یکی دیگر از متفکران اجتماعی و سیاسی انگلیسی، دیدگاه مساعدتری درباره زندگی انسان در حالت طبیعی، داشت. گرچه او با آنکه این مرحله مقدماتی جامعه را چون هابز، کثیف و حیوانی و کوتاه نمی نامید، آنرا بسیار ابتدایی، فقیرانه و نیازمند بهبود و پیشرفت می دانست.

یکی از مهمترین استدلالهای او این بود که انسانها می توانند مدعی مالکیت خصوصی و انحصاری بخشهایی از محیط تهی از آدمی شوند. بدین ترتیب لاک یکی از نخستین نظریه پردازانی است که منطقی برخورد و ارزش گذاری ابزاری با محیط تهی از آدمی را توجیه کرده است. بر این اساس محیط تهی از آدمی که دست بشر به آن نخورده باشد، بی ارزش است.

### ۳- ژان ژاک روسو

نظریه پردازی اجتماعی ژان ژاک روسو از لحاظ ارزیابی حالت طبیعی، هم با هابز تفاوت دارد هم با لاک. روسو بر خلاف جریان تفکر روشنگری، معتقد بود که سرشت بشر بر همکاری استوار است و جامعه های ابتدایی مانند بومیان امریکایی و آفریقایی برای انسان بهترین جامعه اند، تمدن به جای آنکه موهبتی باشد، همیشه با هزینه هایی همراه است که از منافع آن بیشتر است.

وی را می توان یکی از پیشگامان افکار احساساتی و سبز نامید. نقد روسو بر مصنوعی در برابر طبیعی و اینکه آسیب های اجتماعی را معلول آثار زیان بار تمدن دانسته، از دیدگاه سبز یکی از نخستین انتقادهای روشنگری را تشکیل داده است. از دیدگاه روسو طبیعت و محیط طبیعی نماینده معصومیت، اصالت و کمال، در برابر آثار زیانبار شهرنشینی و پیچیدگی زندگی متمدن دانست.

## نظریه پردازی اجتماعی پیشرو و واپس نگر درباره محیط زیست از دیدگاه توماس مالتون

یکی از مهمترین حوزه های تداخل میان محیط زیست و نظریه اجتماعی در قرن ۱۹ با نظریه مالتوس آغاز می شود. مالتوس معتقد بود که افزایش جمعیت و این واقعیت که تولید غذا به هیچ وجه با چنین افزایشی تناسب ندارد، پیوسته چشم اندازهای پیشرفت را تهدید می کند. به نظر او سرچشمه مشکل در این واقعیت تلخ نهفته است که افزایش جمعیت، به صورت تصاعد هندسی و افزایش منابع غذایی تصاعد حسابی است. لذا بدون مهار جمعیت، ظرفیت زمین برای تولید غذا دچار محدودیت های مشخصی است و بهبود اجتماعی در برابر این محدودیتهای محیطی چاره ناپذیر و نا آدمی به شکست می انجامد. او بهمین علت معتقد بود که دادن منابع بیشتر به فقرا فقط بر شمار آنها می افزاید. لذا دولت نباید به یاری فقرا دست بکار شود. اگر کمک فقرا قطع شود آنها انگیزه پیدا می کنند کاری درآمدزا بیابند و به داشتن فرزند کمتر تشویق می شوند. [محیط زیست و نظریه های اجتماعی، جان بری م. حسن پوریان و نیره توکلی، ۱۳۸۰]

## نظریه اجتماعی و تکامل محیط زیست طبیعی

نظریه تکامل از طریق گزینش چارلز داروین و بسط این اصول به تطور اجتماعی بدست هربرت اسپنسر، پیوند مهم بعدی در تاریخ رابطه میان محیط تهی از آدمی و نظریه اجتماعی را تشکیل می دهد. دو جنبه از نظریه تکامل داروین شایان ذکر است:

- ۱- تاریخ تکامل انسان بطوریکه این نظریه نه تنها در مقابل داستان انجیل درباره خلقت زمین و انسانها به اراده خدا قرار گرفت، بلکه به کمرنگ کردن هرگونه مرز سفت و سخت میان جهان انسان و غیر انسانها پرداخت.
- ۲- براساس نظریه داروین موجودات زنده با محیطهای خود تطابق پیدا می کنند. در نتیجه جنگ برای بقا میان موجودات، آنها که بیش از همه با محیط خود هماهنگ شده اند باقی می مانند و نسل بیشتری از خود بجای می گذارند.

داروینسیسم اجتماعی بدانگونه که در نیمه قرن نوزدهم تدوین یافت نظریه اجتماعی خشنی بود زیرا با تکرار مباحث مالتوس این اعتقاد را تقویت می کرد که کمک به فقرا فقط آنها را توان می بخشد که به ناروا و بطور مصنوعی باقی بمانند و در نتیجه فرایند تطور اجتماعی را که پیش شرط آن بقای اصلح است به قهقرا ببرند. [محیط زیست و نظریه های اجتماعی، جان بری م. حسن پوریان و نیره توکلی، ۱۳۸۰]

طبق داروینسیسم اجتماعی در مبارزه طبیعی برای بقا میان انسانها دخالت دولت اندک است.

## نظریه اجتماعی مارکسیسم و محیط زیست

کارل مارکس و فریدریش انگلس و نظریه سیاسی و اجتماعی مارکسیستی آنها، یکی دیگر از نظریه های اجتماعی مهم قرن ۱۹ میلادی است که در آن محیط نقشی خاص دارد. در نظریه مارکسیسم به نظریه جمعیت مالتوس و بحث او درباره دستمزد بخور و نمیر، حمله نموده است. از دیدگاه مارکسیستی، نظریه مالتوس تنها توجیهی ایدئولوژیک بود که نقاب پژوهش علمی برچهره داشت. نقطه شروع مارکس این واقعیت خشن است که انسان باید وسیله گذران خود را تولید کند. بدین معنا که انسانها باید نیروی کار، مهارتها و آفرینندگی خود را برای تبدیل جهان ناآدمیان به اشیاء و کالاهای خدماتی که برای بقا بدان نیازمندند بکار برند.

مارکس معتقد است که گرچه انسانها مانند سایر موجودات برای بقا به منابعی که به محیطشان وابسته است نیاز دارند، لکن با بقیه طبیعت فرق دارد زیرا فقط دریافت کننده چیزهایی که محیط طبیعی برای آنها فراهم می آورد، نیستند و انسان قادر است محیط خود را دگرگون کند و محیط تهی از آدمی را به ساخته های مفید و بارزش تغییر دهند. نمونه آن مسکن گزینی از کلبه های روستایی به شهرهای بزرگ و تهیه لباس به شیوه طراحی و خیاطی شده به جای استفاده از پشم حیوانات است.

منطق اصلی مارکسیسم که یکی از نظریه های نمونه اجتماعی نوین درباره جامعه صنعتی است، اگر در نظام سرمایه داری از طبیعت بهره کشی می شود، دیدگاه مارکس درباره جامعه فراسرمایه داری یا سازمان کمونیستی بر بهره کشی چند برابر از طبیعت استوار بود. به عبارت دیگر، تصور مارکس آن بود که در نظام کمونیستی بهره کشی از طبیعت و تولید ثروت، کالاها و خدمات چنان کارساز و مولد خواهد بود که نیازهای مادی همه آدمیان را برآورد می کند. زیرا بهره کشی از طبیعت بسیار کارایی خواهد داشت. می توان مارکس را خواهان تشدید بهره کشی از محیط زیست طبیعی دانست که آغازگر آن سرمایه داری بوده اما خواهان پایان یافتن بهره کشی انسان از انسان و توزیع دستاوردهای بهره کشی از محیط زیست به گونه ای برابرتر از شیوه سرمایه داری است.

### لیبرالیسم و نخستین نظریه پردازی اجتماعی سبز

جایگاه محیط زیست در آثار جان استوارت میل یکی از بزرگترین متفکران سیاسی لیبرال قرن گذشته را می توان از زمان بهبود او از سکنه مغزی ردیابی کرد. دیدگاههای بسیار اصیل او درباره آنچه امروز آن را **نکته های زیست محیطی** می نامیم در روزگار وی بی همتا بود و پیشاهنگ طرح بسیاری از موضوع هایی است که بعدها سبز یا بوم شناختی بدانها اطلاق شد. لیبرالیسم، نظریه اجتماعی رایج قرن ۱۹ میلادی بطور کلی با سوسیالیسم در مورد رابطه میان جامعه و طبیعت و پیروی از پیشرفت مادی توافق داشت، اما جان استوارت میل در مقابل این دیدگاه مشترک و مسلط توسعه صنعتی ایستادگی کرد. دیدگاههای او در مورد دفاع از گسترش توجه اخلاقی به حیوانات غیر از آدمیزاد، او را در رده یکی از نخستین نظریه پردازان اجتماعی سبز قرار می دهد.

### فروید، سرشت آدمی و ستیز با طبیعت

زیگموند فروید در تمدن و نامرادیهای آن می گوید: مقهور کردن طبیعت بیرونی را می توان بخشی از همان طرح انسانها برای تحمیل خواسته های خود بر طبیعت سرکش دانست. فروید نیز مانند بسیاری از نظریه پردازان اجتماعی بعدی به هنگامی که از طبیعت حرف می زند، منظورش هم طبیعت بیرونی یعنی محیط زیست طبیعی و هم طبیعت درونی یعنی سرشت آدمی است. بخش اصلی نظریه فروید مربوط به اینست که چگونه تمدن و پیشرفت و ترقی اجتماعی نه فقط به بهره کشی از طبیعت بستگی دارد، بلکه به مهار کردن برخی جنبه های بالقوه مخرب سرشت درونی نیز وابسته است.

### یورگن هابرماس و مسئله طبیعت در نوگرایی

هابرماس در پی آن بود که نشان دهد تنها رابطه ما با محیط زیست طبیعی رابطه ابزاری است که منافع تولیدی، حسابگرانه و فنی ما درباره اینکه چگونه می توانیم بهتر از آن بهره کشی کنیم، بر آن حاکم است. موضوع اصلی هابرماس اینست که نگرش ابزاری و فنی و دستکاری کننده در برابر جهان بیرونی چیزی است که مربوط با خصلت ویژه سرشت نوع آدمی است. [محیط زیست و نظریه های اجتماعی، جان بری م. حسن پوریان و نیره توکلی، ۱۳۸۰] وجه مشترک هابرماس با نظریه اجتماعی کلاسیک اینست که شرط پیشرفت و توسعه جامعه انسانی بهره کشی و استفاده ابزاری از محیط طبیعی است.

### آنتونی گیدنز، جهانی شدن و محیط زیست



آتونی گیدنز مانند هابرماس در آثار خود به نوگرایی و نتایج آن پرداخته است. گرچه بر خلاف او به موضوع زیست محیطی و جایگاه طبیعت در نظریه اجتماعی خود توجه بیشتری نشان داده است.

در نظریه جهانی شدن گیدنز، آثاری از پیامدهای اقتصادی و مالی گرفته تا پیامدهای فرهنگی را در بر می گیرد. یکی از مملوس ترین تجربه جهانی شدن مسائل زیست بومی جهانی می باشد به ویژه مشکلات مربوط به الودگی و گرم شدن زمین و تغییرات آب و هوایی که از مرز ملی فراتر رفته و اثرات جهانی دارد. [محیط زیست و نظریه های اجتماعی، جان بری م. حسن پوریان و نیره توکلی، ۱۳۸۰] از این رو گسترش مشکلات زیست بومی جهانی به عنوان یکی از پیامدهای جهانی شدن، گسترش سرمایه داری صنعتی به سراسر کره زمین، ایجاد بازار جهانی و توسعه ارتباطات گوناگون است، بدین معنا که نهادها و پیوندهای سیاسی و فرهنگی جامعه های دور از هم در یک نظام جهانی جهان گستر می آورد.

## ظهور و مفهوم سیاست های زیست محیطی

بر طبق نظر گولدیلات سه تبیین مختلف از سیاستهای زیست محیطی را می توان در آثار گیدنز تشخیص داد.

۱- دیدگاه محافظه گرانه

- به نظر وی جنبش های زیست محیطی با بازسازی شیوه های سنتی مربوط به محیط سروکار دارد. در اینجا محیط زیست شهری جنبش های زیست محیطی را ایجاد کرده که زانده بیگانگی فرهنگی و خلاء چشم انداز شهری نو است.
- ۲- سیاستهای زیست محیطی پاسخی است که به خطرهای زیست محیطی می دهد. بر مبنای این توجیه سیاستهای زیست محیطی به موازات آشکارتر شدن و مشخص تر شدن مسائل و معماهای بوم شناختی برای مردم پدید می آیند.
- ۳- سیاستهای زیست محیطی، شیوه زندگی سیاسی خاصی است که مرتبط با جنبش های اجتماعی جدید است.

به نظر گیدنز سیاستهای سبز یا سیاستهای زیست محیطی بیشتر به اینکه شخص چگونه زندگی می کند و موضوعات مربوط به هویت شخصی مرتبط است تا موضوعاتی که سیاستهای جریان اصلی اعم از سطوح درآمد، استخدام و رشد اقتصادی را حاکم می کند. بدین ترتیب گیدنز توجه روزافزون به موضوعات زیست محیطی و بروز سیاستهای زیست محیطی را پیشرفت هایی می داند که آشکارا از لحاظ مطرح شدن پرسشهای اخلاقی درباره نظام اجتماعی نو و نهاده ها و اصول اخلاقی آن، اخلاقی است.

## محیط زیست شهری و شهر در برابر روستا

گیدنز در نوشته های خود درباره موضوعات زیست محیطی بر پرداختن نظریه اجتماعی به محیط های شهری و ساختگی تاکید دارد. به این دلیل که آثار شهرنشینی پیامدهایی نیز در مورد چگونگی تشکیل محیط طبیعی، درک از آن و عمل در برابر آن دارد. تبیین گیدنز درباره شهرنشینی را باید به توجه وی به فضای ساختگی تعمیم داد تا این نکته را در بر بگیرد که چگونه شهر نشینی می تواند محیط طبیعی را از صحنه به در کند و این احساس را بیافریند که آدمها به جهان طبیعی وابسته نیستند.

به نظر گیدنز سیاستهای زیست محیطی کوششی برای تثبیت نوعی محتوای بنیادی اخلاقی و امنیت هنجاری در زندگی مردم.

## اخلاق محیط زیست

اخلاق محیط زیست شاخه جدیدی از اخلاق فلسفی است که به دو مبحث می پردازد:

نخست ارزشی است که می باید به محیط طبیعی نسبت داد. یعنی چیزهایی به غیر از انسان، اعم از زنده و بی جان که جهان را با

ما سهیم هستند. [اخلاق محیط زیست، جان برسون، م. عبدالحسین وهاب زاده، ۱۳۸۲]

آیا ارزش نهادن بر آنها و مراقب بودن در برخورد با آنها فقط به خاطر آنست که به جهات متعدد برای ما مفیدند یا اینکه تمام و یا بعضی از آنها ارزشهای مستقل و فراتر از نافع انسانی دارند؟

آنهایی که فکر می کنند اشیا و سیستم های طبیعی مثل درخت، دریاچه یا جنگل، به خودی خود و مستقل از منافع انسان، ارزشمندند عقیده دارند که پذیرش این ارزشها ما را بر آن می دارد که اصول اخلاقی جدیدی را بپذیریم که از مکتبهای اصلی اخلاق سنتی غرب شدیداً فاصله می گیرد. چرا که اینان عقیده دارند اصول اخلاقی مطرح در این مکاتب بگونه تفکیک ناپذیری انسان محور است که تخریب و ناکارآمدی اشیا و نظامهای طبیعی را ممنوع نمی دانند. مگر آنکه با این تخریب و ناکارآمدی، انسان دچار آسیب شود. دومین موضوع که با موضوع اول ارتباط نزدیکی دارد آنست که ما به حیث انسان چگونه بایستی در مورد رابطه خویش با طبیعت بیاندیشیم؟ یک ایده بسیار کهن آنست که طبیعت آموزگار ما است و یا اینکه بایستی چنین باشد. به این معنا که آنچه ما برای درست عمل کردن نیازمند آن هستیم همانا پیروی از طبیعت است. ما جزیی از طبیعت هستیم.

[ اخلاق محیط زیست، جان برسون، م. عبدالحسین وهاب زاده، ۱۳۸۲ ]

پذیرش کامل این ایده هر نوع تمایل به اینکه خود را برتر از طبیعت و یا محق بهره کشی از آن بدانیم را منتفی می کند. انتخاب با ماست می توانیم بی اعتنائی پیشه کنیم و به خطرات روندهایی که اکنون آشکار می شوند بی اعتنا باشیم اما بلاخره این انکار ما را به کجا خواهد کشاند؟

همانگونه که ساراپارکین، سخنگوی حزب سبز انگلستان می گوید:

*سستی ما، سکوت ما و فقدان جسارت ما می تواند به این معنا باشد که در نهلیت ما تنها گونه ای خواهیم بود که نابودی خودمان را مو به مو تحت نظارت داشته ایم و گور ما چه سنگ نوشته وهن آمیزی خواهد داشت: آنها آنچه را که فرا می رسید می دیدند، اما چندان خرد نداشتند که راه بر آن ببینند.*

## نتیجه گیری:

این که بقای بشر بر روی این کره خاکی بستگی تمام به حفاظت از محیط زیست دارد، هیچ فرد نسبتاً مطلعی از رابطه بین انسان و محیط زیست، شک و تردیدی ندارد. اصطلاح محیط زیست گرچه در هیچ یک از کنوانسیونها، معاهدات و بیانیه های مهم بین المللی تعریف نشده اما در یک نگاه کلی می توان گفت که محیط زیست به همه شرایط و عوامل فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیبا شناختی اطلاق می شود که اشیا و اموال موجود در کره زمین در حیطه آن قرار دارد و بر مطلوبیت و ارزش آن اموال و نیز کیفیت زندگی بشر اثرگذار است. پس هر چه در دور و اطراف خود می بینیم در محدوده معنی و مفهوم این اصطلاح قرار می گیرد. در سایه بحران های زیست محیطی اخیر بسیاری از محققین تلاشی را جهت بررسی دلایل خصمانه انسان با طبیعت خویش آغاز کرده اند، بخشی از این تحقیق شامل بررسی ریشه های فلسفی اثرگذار بر روند کنش انسان با جهان و طبیعت پیرامونش همچنین مسوولیت و سهم ادیان در قبال محیط زیست می باشد. ریشه بحرانهای اکولوژیکی بدیهی بوده و در اعتقادات و ساختار های ارزش ما جای دارند که این اعتقادات بر روش زندگی ما و ارتباط با طبیعت اثر دارند.

فاجعه های زیست محیطی که هر از گاهی در گوشه و کنار این دنیای پهناور رخ می دهد، اغلب حاصل فعالیتهایی است که بشر به ویژه از یکصد سال قبل در راه رسیدن به توسعه و رفاه، در طی فرآیند صنعتی شدن، به آنها دست برده و باعث تخریب و آلودگی محیط زیست شده است. مدتهاست که علاج این گونه نابسامانی ها که سلامتی بشر را به خطر انداخته، فکر انسان را به خود مشغول داشته و نشستهای بین المللی متعددی را شکل داده است که به کنفرانس «محیط زیست انسان» و کنفرانس «محیط زیست و توسعه» (معروف به «اجلاس زمین») که به ترتیب در شهرهای استکهلم (سوئد) و ریودوژانیرو (برزیل) در سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۹۲ توسط سازمان ملل برگزار شدند، به عنوان سرآمد این نشستها می توان اشاره کرد.

به عبارتی ما نیازمند توسعه ای هستیم که هم مردم مدار یعنی معطوف به بهبود شرایط انسانی و هم مبتنی برحفاظت از محیط زیست یعنی حفظ تنوع و قدرت تولید طبیعت باشد. ماناگزیبریم که به برخی دیدگاهها در مورد محیط زیست و توسعه پایان دهیم. دیدگاههایی که گویی این دورا در مقابل یکدیگر قرار میدهد. در واقع ما باید بپذیریم که این دو اصل ( محیط زیست و توسعه )، دو بخش ضروری یک فرایند اجتناب ناپذیر هستند.

به طور کلی آنچه از این مقاله می توان نتیجه گیری نموده، وسعت دامنه ارتباط محیط زیست با جوامع بشریست به نحوی که نظریه پردازان مختلف بدان اشاره نمودند، اما قضیه به همین جا ختم نمی شود مطالعه در مورد خطرات زیست محیطی نشان می دهد که فقرا و افراد فاقد اختیار، آسیب پذیرترین قشرها در مقابل اینگونه تاثیرات هستند زیرا آنها گزینه های اندکی برای سازگار شدن پیش رو دارند.

پیامدهای انسانی تحولات جهانی محیط زیست نیز در نقاط مختلف جهان متفاوت است. دوبرابر شدن میزان گاز دی اکسید کربن در جو می تواند اثر بارور کننده عمده ای بر برخی محصولات داشته باشد اما بر برخی دیگر تاثیر نداشته یا اینکه تاثیرش اندک است. بنا به پیش بینی های علمی، روند فعلی گرم شدن کره زمین موجب گسترش تولید محصولات کشاورزی بسوی شمال زمین یعنی مناطق روسیه و ژاپن و کانادا میگردد. این درحالی است که همین مسئله، موجب افزایش دما و کم آبی و خشکسالی در عرض های جغرافیایی پایین تر نیمکره شمالی از جمله کشور ایران می شود. مناطق متعددی در جهان وجود دارند که تخریب محیط زیست در آنها، به آستانه ایجاد خطر جدی برای ادامه حیات و یا سلامتی ساکنین آن رسیده است. در این مناطق، سرعت تخریب، در حال پیشی گرفتن از توانایی انسان برای ممانعت یا سازگاری با آن است. لذا دانشمندان زیست محیطی، امروز ابعاد سیاسی حقوق استفاده از ذخایر را مورد تاکید قرار میدهند و بر ضرورت بررسی پیوندهای میان محیط زیست، اقتصاد و جامعه تاکید می کنند.

### فهرست منابع:

- محیط زیست و نظریه اجتماعی-جان بری، ترجمه حسن پویان و نیره توکلی، ۱۳۸۰
- اخلاق محیط زیست-جان برسون، ترجمه عبدالحسین وهاب زاده، ۱۳۸۲
- زیستن در محیط زیست-پروفسور جی. تی. میلر، ترجمه مجید مخدوم، ۱۳۷۱
- Social environment J.L.Mackie , ۲۰۰۵

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.